

بررسی تطبیقی مضامین عاشورایی در مرثیه سرایی معروف عبدالمجید و شهریار

عبدالله غلامی^۱، دنیا جمشیدی^۲

چکیده

در ادوار مختلف تاریخی، مدح و رثای اهل بیت (ع) برای شاعران عرب و ایرانی از جذابیت و اهمیت بالایی برخوردار بوده و فرصتی برای انعکاس عواطف دینی، اخلاقی و اجتماعی آنان فراهم کرده است. بررسی تطبیقی مضامین عاشورایی در اشعار معروف عبدالمجید (شاعر مصری، مستبصر و معاصر) و شهریار (شاعر ایرانی و معاصر) نشان می‌دهد که این دو شاعر با بهره‌گیری از قالب‌های شعری نو (آزاد) و کلاسیک (غزل)، به بازتاب عواطف عمیق خود نسبت به امام حسین (ع) و واقعه عاشورا پرداخته‌اند. مقاله حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و براساس مطالعات کتابخانه‌ای و با رویکرد تطبیقی در تحلیل مضامین عاشورایی نوشته شده و شیوه‌های تصویرپردازی دو شاعر در بازتاب رثای امام حسین (ع) و واقعه عاشورا، همچنین واکاوی تأثیر شرایط اجتماعی و سیاسی عصرشان بر سرایش این مرثی را نشان می‌دهد. این بررسی از میان اشعار منتخب دیوان معروف عبدالمجید (بلون الغار، بلون الغدير) و نیز اشعار برگزیده از دیوان شهریار (کلیات شهریار) به انجام رسیده است. نتایج این پژوهش حاکی از آن است که نام‌برداران برای پرداختن به مقاصد مشترک، گاه از مضامین مشابه و گاه متفاوت از هم بهره برده‌اند؛ همچنین با وجود تفاوت‌های فرهنگی و زبانی و سبکی، در پرداختن به برخی مضامین اشتراک دارند، هرچند که زاویه دید و شیوه بیان آنان متفاوت است.

واژه‌های کلیدی: ادبیات تطبیقی، شهریار، معروف عبدالمجید، عاشورا، تصویرپردازی

۱. استادیار گروه الهیات، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. (نویسنده مسئول). gholami@razi.ac.ir

۲. دانشجوی کارشناسی ارشد، رشته علوم قرآن و حدیث، دانشکده ادبیات و علوم انسانی، دانشگاه رازی، کرمانشاه، ایران. dg5781234@gmail.com

۱. مقدمه

ادبیات تطبیقی یکی از روش‌های کارآمد در حوزه ادبیات ملل است که به پژوهشگران امکان می‌دهد اندیشه شاعران فرهنگ‌های گوناگون را مقایسه و مقارنه کنند. در این میان، تحلیل تطبیقی شعر شاعران عرب و عجم، به‌ویژه در حوزه ادبیات دینی و عاشورایی، همواره مورد توجه بوده است. مسئله اصلی پژوهش حاضر این است که دو شاعر معاصر از دو حوزه زبانی و فرهنگی متفاوت (فارسی و عربی) چگونه به بازآفرینی واقعه عاشورا پرداخته‌اند و اشتراکات و افتراقات رویکرد آنان در بیان مضامین عاشورایی کدام است؟ به عبارتی، مسئله پژوهش به وضوح به چگونگی بازتاب مضامین عاشورایی و تأثیر بافت فرهنگی بر دو شاعر معاصر، معروف عبدالمجید و شهریار، می‌پردازد.

معروف عبدالمجید و شهریار ارادت ویژه‌ای به اهل بیت^(ع) در آثار خود نشان داده‌اند. عبدالمجید در دیوان شعری به نام بلون الغار، بلون الغدیر و شهریار در کلیات شهریار هر یک با شیوه‌های خاص، به رثای حسینی و نمایاندن واقعه عاشورا پرداخته‌اند و از ابزارهای مختلف شعری جهت بازتاب اندوه و حزن خویش بهره برده‌اند تا احساسات عمیقشان را به تصویر بکشند.

۱-۲. ضرورت و اهمیت پژوهش

ضرورت جستار حاضر در آن است که بتوان ضمن تحلیل تطبیقی مضامین دینی، به ویژه عاشورایی، میزان تأثیرپذیری شاعران از بافت فرهنگی و سیاسی جامعه خود را تبیین کرد. این بررسی، امکان درک میزان تصویرپردازی، قدرت خیال‌انگیزی و سبک شعری هر یک از شاعران را فراهم می‌آورد و نشان می‌دهد که چگونه ادبیات متعهد شیعی عاشورایی در دو حوزه زبان فارسی و عربی به بازتولید گفتمان عاشورا پرداخته و موفقیت خود را نشان داده است. به علاوه، نوشتار حاضر با بهره‌گیری از روش تطبیقی، ظرفیت فهم تأثیر متقابل فرهنگی و ادبی میان شاعران را نیز تقویت می‌کند.

۱-۳. اهداف

هدف از پژوهش حاضر این است که با روش تطبیقی ه موارد ذیل بررسی شوند:

۱. شناسایی وجوه اشتراک و افتراق مضامین به کار رفته در رثای حسینی دو شاعر.
 ۲. تحلیل نحوه تصویرپردازی شهادت امام حسین^(ع) و واقعه عاشورا با استفاده از عناصر بلاغی.
 ۳. واکاوی تأثیر بافت اجتماعی و سیاسی عصر هر شاعر بر زاویه دید و نوع نمادپردازی در اشعار.
- دستیابی به این اهداف می‌تواند درک عمیق‌تری از سبک شعری و روش‌های بیان احساسات و اندیشه‌های مذهبی شاعران معاصر ارائه دهد.

۱-۴. پرسش‌ها و فرضیه

اکنون با توجه به اهداف انجام این پژوهش پاسخ به پرسش‌های ذیل ضروری است:

۱. معروف عبدالمجید و شهریار در سرودن رثای حسینی از چه مضامین مشترکی استفاده کرده‌اند و تفاوت رویکرد آنان در چیست؟
 ۲. دو شاعر چگونه از واقعه کربلا به عنوان نماد و سمبل در بستر زمانه خویش بهره برده‌اند؟
 ۳. شیوه تصویرپردازی و بهره‌گیری از ابزارهای بلاغی در اشعار عاشورایی آنان چه تفاوت‌ها و شباهت‌هایی دارد؟
 ۴. تأثیر شرایط سیاسی و اجتماعی دوران عبدالمجید و شهریار بر سرودن رثای حسینی چگونه بوده است؟
- همچنین فرض بر آن است که شهریار و عبدالمجید، علی‌رغم تفاوت‌های زبانی و فرهنگی، در مضامین اصلی عاشورا (اندوه محرم، بی‌وفایی و حرمت شکنی) اشتراک دارند، اما در شیوه نمادپردازی و نگاه سیاسی-اجتماعی متفاوتند.

۲. روش پژوهش

پژوهش حاضر به روش توصیفی-تحلیلی و مبتنی بر جست‌وجوی کتابخانه‌ای انجام شده است. چارچوب نظری این پژوهش بر مبنای ادبیات تطبیقی استوار است صرفاً به دنبال اثبات تأثیر و تأثر تاریخی نیست؛ بلکه به تحلیل و مقایسه شباهت‌ها و تفاوت‌های زیبایی‌شناختی و مضمونی میان آثار ادبی ملل مختلف می‌پردازد.

۳. پیشینه پژوهش

مقالات گوناگونی در ارتباط با معروف عبدالمجید و شهریارنگاشته شده است. در ادامه به مواردی که به موضوع کربلا مرتبط است، اشاره می‌شود. ستوده (۱۳۸۵) مقاله‌ای با عنوان «تجلی کربلا در آثار سنایی، خاقانی، عطار، سعدی، مولانا، استاد شهریار» به بازتاب واقعه کربلا در اشعار و آثار شاعران نام‌برده براساس شرایط و اوضاع اجتماعی، سیاسی و مذهبی دوران شاعران پرداخته است. کوچکی و ولوی (۱۳۹۰) در مقاله «مظاهر قیام حسینی در اشعار معروف عبدالمجید» کوشیده‌اند با نشان دادن مظاهر قیام امام حسین^(ع) در اشعار معروف عبدالمجید، به تبیین شرایط سیاسی جامعه عربی علی‌الخصوص مصر بپردازند. شمس الدینی و سیفی (۱۳۹۲) مقاله‌ای با عنوان «بررسی و تحلیل درون مایه‌های شعر شیعی در اشعار معروف عبدالمجید» نگاشتند که نتایج به دست آمده حاکی از ارادت ویژه معروف عبدالمجید به ائمه اطهار^(ع) و از جمله امام حسین^(ع) است. ملاابراهیمی و همکاران (۱۳۹۶)، در مقاله «بررسی تطبیقی شعر دینی محتشم کاشانی و معروف عبدالمجید» به تبیین ابیاتی پرداخته‌اند که متحلی به قرآن کریم یا مدح ورثای بزرگان شیعه است. جمشیدی و همکاران (۱۳۹۹) در مقاله «بازتاب سیره و فرهنگ رضوی در ادبیات دفاع مقدس، موردپژوهی اشعار رضوی معروف عبدالمجید و مشفق تهرانی» کوشیدند که فرهنگ رضوی را به عنوان یکی از مبانی ادبیات پایداری و بازتاب آن در اشعار شاعران یاد شده معرفی کنند. ساجدی و

همکاران (۱۳۹۷) در مقاله «از حریم کعبه تا کربلا، واکاوی مبانی تاریخی رثای شهریار بر امام حسین^(ع)» کوشیدند، مبانی تاریخی مرثیه شهریار بر امام حسین^(ع) را بررسی کنند. علی‌رغم وجود این مقالات، تاکنون پژوهش مستقلی به بررسی تطبیقی مضامین عاشورایی در مرثیه‌سرایی معروف عبدالمجید و شهریار نپرداخته است. لذا مقاله حاضر درصدد پر کردن این خلأ پژوهشی است.

۴. زندگی نامه

۴-۱. شهریار

سید محمد حسین بهجت تبریزی متخلص به شهریار، در سال ۱۲۸۵ ش. در تبریز زاده شد. انسانی بزرگ‌زاده و دارای شخصیتی ادبی و اجتماعی که محصول محیط فکری و فرهنگی و اجتماعی بود که او را در دامان خود پرورد. او اکثر اوقات خود را، با مطالعه دیوان حافظ می‌گذراند. پس از انقلاب اسلامی ایران هم اشعاری در همگامی با مردم انقلابی و مبارز سرود. سرانجام استاد شهریار در مهرماه سال ۱۳۶۷ و در سن ۸۴ سالگی درگذشت (برای آگاهی بیشتر، ر.ک: محمدی، ۱۳۸۴: ج ۱، ۲۵۳-۲۵۶).

۴-۲. معروف عبدالمجید

معروف عبدالمجید محمد، شاعر مصری تبار، در سال ۱۹۵۲ م. در یک خانواده اهل سنت شافعی مذهب در استان قلیوبیه مصر زاده شد. وی از شاعران مستبصر شیعی^۱ است که در سال ۱۹۸۴ م. به مذهب شیعه گرایید. وی مسلط به زبان و ادبیات عربی و برخی از زبان‌های زنده دنیا است (ر.ک: سایت مرکز جهانی مستبصرین، ۱۵ جولای ۲۰۱۸ م.).

۱. مستبصر در اصطلاح کلامی و ادبیات دینی به کسی گفته می‌شود که پیش‌تر پیرو یکی از مذاهب دیگر اسلامی عمدتاً اهل سنت بوده و پس از تحقیق و مطالعه، حقیقت را در مذهب تشیع یافته و شیعه شده است. این واژه از ریشه «بَصَرَ» (بینا شدن) گرفته شده و به معنای «بینا شده» است.

۵. مفاهیم

ادبیات تطبیقی: مبنای نظری مقاله حاضر بر تعریف مکتب آمریکایی ادبیات تطبیقی استوار است که به مقایسه ادبیات ملل گوناگون از منظر زیبایی‌شناسی و مضمونی می‌پردازد، بدون آنکه لزوماً به دنبال اثبات تأثیر مستقیم باشد (ر.ک: البدیری، ۱۴۰۰: ۱۳-۱۶).

أغراض شعری: شعر در ادبیات ملل گوناگون، از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و همواره در برهه‌های زمانی مختلف شاعرانی بزرگ آثار ارزشمندی را با غرض‌های گوناگون شعری به نظم درآورده‌اند. از جمله أغراض شعری عبارتند از: فخر، حماسه، رثاء، غزل، هجو و

رثای حسینی: رثا در لغت، به معنای گریستن برای شخص و برشمردن محاسن و نیکی‌هایش و سرودن شعر برای اوست (معلوف، ۲۰۰۰: ۲۹۴). آنچه در این پژوهش به آن پرداخته می‌شود، رثای دوشاعر ایرانی و مصری، شهریار و معروف عبدالمجید برای امام حسین^(ع) سرور و سالار شهیدان است که نشأت گرفته از عواطف عمیق و حزن شدید آن دو نسبت به مصائب به وقوع پیوسته برای آن حضرت^(ع) و اهل بیت ایشان در واقعه کربلا است که در دیوان هر دو شاعر به وضوح قابل مشاهده است.

۶. بررسی مضامین رثای موجود در اشعار عبدالمجید و شهریار

۶-۱. آمدن ماه محرم

محرم، تنها گذریک ماه در گردش تاریخ نیست بلکه ماهی است که خاطره و تاریخ و احساس را در یکدیگر می‌تند. محرم، واقعه‌ای دور است اما در عین حال نزدیک که با آمدنش کربلا از سطر سطر تاریخ خارج شده و اندوهی آشنا به همراه می‌آورد و شرعاً شورایی، این اندوه و بیداری و شهادت را بازآفرینی می‌کند و پیوندی است میان سوگ گذشته و حال. بدین ترتیب، بررسی چگونگی بازنمایی آمدن ماه محرم در اشعار

عبدالمجید و شهریار و نیز شناخت تفاوت‌ها و شباهت‌های نگرش دو شاعر در باز آفرینی این بازگشت، ما را به درک عمیق‌تر از اندیشه آن دو خواهد رساند. عبدالمجید در شعری با عنوان (فاجعة عاشورا)، شدت غم و اندوه خویش را از تکرار ماه محرم در هر سال ابراز داشته است چرا که شیعیان، ازاینکه امام حسین^(ع) تشنه لب و عطشان به سوی شهادت در راه خدا شتافته‌اند و نیز جسم بی سر ایشان روی شنزار افتاده، به شدت محزون و اندوهگین هستند (ملاابراهیمی و همکاران، ۱۳۹۶: ۱۲۱).

طَعَالُ حُزْنٍ سَيْلًا فَعَطَى الْحَمَى
وَدَمَعُ الْمُحِبِّينَ أَمْسَى دَمًا
يَعُودُ الْمُحَرَّمُ فَيَكُلُّ عَامٍ
فَتَبْكِي عَلَيْكَ لَحْدَ الْعَمَى
فَأَنْتَ الْمُجَدَّلُ فَوْقَ الرَّمَالِ
وَأَنْتَ الْقَتِيلُ، قَتِيلُ الظَّمَا

(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۳۱)

غم چون سیلی طغیان کرد و سرزمین [تنم] را پوشاند. و اشک عاشقان خون شد. / محرم هر سال برمی‌گردد پس آن قدر بر تو می‌گرییم تا نابینا شویم. / تو بر روی شن‌ها به خاک فتاده‌ای تو کشته شده‌ای، کشته تشنگی.

شاعر در این ابیات نگاهی دو سویه دارد. وی آمدن و تکرار محرم را با مضمون تشنگی حضرت^(ع) پیوند زده است؛ گویی گذر سال‌ها نه تنها مرهمی بر این سوگ نگذاشته؛ بلکه با هر بار تکرار محرم، این اندوه جانی تازه می‌گیرد. این ابیات دارای ظرفیت بلاغی هستند از جمله تشبیه بلیغی که در بیت اول گنجانده شده و آن تشبیه حزن به سیل است. وی با بیان اغراقی عاطفی یعنی مبدل شدن اشک عاشقان

به خون، از آتش دل محبان پرده بر می‌دارد و مخاطب را در دل اندوه، شریک خود می‌کند. شاعر در بیت دوم، با پیوند دادن محرم به مبالغه در شدت گریستن تا حد نابینایی، تصویری حزن‌انگیز از تکرار این مصیبت ارائه می‌دهد. و در بیت سوم، صحنه شهادت را به گونه‌ای بیان می‌کند که عینی و ملموس باشد و به ظلمی که در شهادت امام حسین^(ع) صورت گرفته، اشاره می‌کند.

شهریار نیز در غزلی از دیوان خویش با نام «داغ حسین^(ع)»، به آمدن ماه محرم و تازه شدن داغ دل شیعیان می‌پردازد که به دنبال آن غم و اندوه آغاز می‌شود و این نکته را یادآور شده که با وجود گذشت بیش از هزار و سیصد سال از واقعه عاشورا، نه تنها داغ و حزن آن فروکش نکرده و به فراموشی سپرده نشده است؛ بلکه، هر سال با آمدن محرم این داغ تازه و افزون می‌شود.

محرم آمد و تازه کرد درد و داغ حسین

گریست ابر خزان هم به باغ و راغ حسین

هزار و سیصد و اندی گذشت سال هنوز

چو لاله بر دل خونین شیعه داغ حسین

(شهریار، ۱۳۸۵، ج: ۱، ۳۶۵)

وی برای نشان دادن این اندوه از آرایه‌های ادبی چون شخصیت‌بخشی (گریستن ابر خزان: گریستن ویژگی آدمی است و نسبت دادن آن به بارش ابر شخصیت بخشی است)، تشبیه (تشبیه داغ آن حضرت به گل لاله) و به کاربردن یک ترکیب وصفی (دل خونین [اسم+صفت]: برای بیان احساسات عمیق و دردناک شیعیان نسبت به آن اندوه بی‌پایان، استفاده نموده است. همچنین بهره‌شاعر از آرایه‌های لفظی (جناس ناقص اختلافی در قافیه داغ و راغ) و نیز تکرار ردیف (حسین)، به بار موسیقایی شعر افزوده است.

به طور کلی می‌توان گفت که تصویرسازی هر دو شاعر در آمدن ماه محرم با تفاوت‌ها و شباهت‌هایی همراه است از جمله شباهات، پرداختن این دو شاعر به فرارسیدن ماه محرم است و تفاوت‌ها را در سبک سوگ‌پردازی این‌گونه می‌توان توصیف کرد که اندوه عبدالمجید فورانی و انفجاری است؛ در حالی که اندوه شهریار آرام و تأملی است. از نظر بلاغی، عبدالمجید بیشتر از اغراق حسی و تصویرپردازی شدید بهره می‌گیرد؛ در حالی که شهریار با اغراق تصویری کمتر و نگاه سنتی، از ترکیبات وصفی و موسیقی کلامی بهره می‌جوید. بدین ترتیب، تنوع و غنای شعر عاشورایی دو شاعر نمایان شده و امکان فهم عمیق‌تر سبک، احساس و ابزار بلاغی آنان را فراهم می‌آورد.

۶-۲. نمادپردازی و تطبیق شرایط کنونی با دوران امام حسین^(ع)

عبدالمجید در قصیده «فاجعة عاشوراء»، ضمن رثای سیدالشهداء^(ع)، عصر خود را با دوران امام حسین^(ع) مقایسه کرده و این دوران را سخت‌تر و دردناک‌تر از عاشورای سال ۶۱ هجری می‌داند. او حاکمان زمانه را یزید می‌خواند و اطرافیان‌شان را افراد پستی معرفی می‌کند که لیاقت حکومت بر مردم را ندارند؛ لذا آن‌ها را شمر می‌نامند که حتی به محارم و نوامیس مردم بی‌احترامی و تجاوز می‌کنند و به مردم اجازه انجام واجبات را نمی‌دهند و در کعبه و قدس که حریم امن الهی است مردم را به قتل می‌رسانند (ولوی، کوچکی، ۱۳۹۲: ۱۰).

و وَاَزَنْتُ عَصْرِي، فَأَلْفَيْتُهُ

لَثِيماً كَعَصْرِكَ، بَلْ أَلَمًا...

فَهَذَا يَزِيدٌ وَحِزْبُ الرِّعَاعِ

أَقْرُّهُ مَوْلَى لَهُم حَاكِمًا

وَتَمَنَعْنَا عَنْ أَدَاءِ الصَّلَاةِ

وَيَقْتُلُ فِي الْكَعْبَةِ الْمُحَرَّمَا

(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۳۶)

روزگار خویش را با روزگارت سنجیدم؛ و آن را روزگاری پست همچون روزگار تو و بلکه دردناک‌تر از آن یافتم. / این یزید است و گروه او باش او را به سروری برگزیده‌اند. / ما را از نماز باز می‌دارد و در کعبه، محرم را می‌کشد.

در این ابیات شاعر دیگر به عاشورا تنها نگاهی در سطح اندوه فردی ندارد؛ بلکه آن را به عرصه نقد قدرت و انحراف تاریخی مبدل می‌سازد که نمایانگر اندیشه آگاهانه به حال و گذشته است. در این شعر یزید دیگر به تنهایی نماد یک شخصیت منفور تاریخی نیست؛ بلکه نماد حاکمیت فاسد و افراد بی‌خردی است که به گردش آمدند. در واقع، یزید در اینجا نماد حاکمیت فاسد و نمادپردازی از نوع انتقادی-تطبیقی است. درجایی دیگر به صراحت و بدون هیچ‌گونه پروایی، نام یزید و یزیدیان را بیان می‌کند و در ضمن بیزاری خود از آنان، بیزاری از یزیدیان عصر خویش را نیز به تصویر می‌کشد. در نگاه وی، دشمن در عصر امام حسین^(ع) موضع خویش را آشکار ساخت و صراحتاً با ایشان جنگید و به شهادت رساند و نیز اهل بیت را به اسارت برد اما عصر شاعر، پرازریا و نفاق و تزویر است (شمس الدینی، سیفی، ۱۳۹۲: ۱۶).

شهریار از تطبیق صریح تاریخی می‌پرهیزد و به نمادپردازی عاطفی و اخلاقی روی می‌آورد. او امام حسین^(ع) را سمبل آزادی و عزت معرفی می‌کند. وی از واقعه عاشورا به ابزاری برای داوری مستقیم مبدل نمی‌کند؛ بلکه می‌کوشد عظمت واقعه را به گونه ایناب و بی‌واسطه منتقل کند. شهریار نسبت به امام حسین^(ع)، کربلا و یزید (علیه‌اللعنه) دیدگاهی نمادپردازانه دارد؛ به گونه‌ای که گاهی امام^(ع) سمبل آزادی و عشق است (ستوده، ۱۳۸۵: ۶۷، ۶۶):

بنی‌امیه و آن دستگاه فرعونی

ولی حسین علمدار عشق و آزادی

همان فسانه فرعون و گنج قارون شد

لقب گرفت و شهنشاہ ربع مسکون شد

(شهریار، ۱۳۸۵: ج ۱، ۴۹۲)

از نظر شهریار امام حسین^(ع) گاهی سمبل ظلم ستیزی است (ستوده، ۱۳۸۵: ص ۶۶):

فریاد کن ز ظلم و تعدی که گفته اند

آنجا که قصه، قصه زور است یا حسین

(شهریار، ۱۳۸۵: ج ۲، ۱۲۶۱)

امام حسین گاهی نیز سمبل از خود گذشتن در راه معشوق است (ستوده، ۱۳۸۵: ص ۶۶):

جوش زد خون حسین و آخرین سرمشق داد

عارفان محوند در این درس عرفانی هنوز

(شهریار، ۱۳۸۵، ج ۱: ۵۳۹)

چنانکه گاهی سمبل عزت و آزادی است:

آب خود با دشمنان تشنه قسمت می کند

عزت و آزادی بین تا کجا دارد حسین

(همان: ۷۰)

کربلا نیز گاهی نماد و رمزی است برای شور و عشق (ستوده، ۱۳۸۵: ۶۷):

یک کاروان شوق و سودای مشهدند

کآن صحن را به شور و نوا کربلا کنند

(شهریار، ۱۳۸۵: ج ۱: ۲۲۱)

و گاهی نمادی است برای سوزوگداز (ستوده، ۶۷: ۱۳۸۵):

آمد صبا و بازم از وجد حالتی رفت
کز سوز و ساز و رقت غوغای کربلا بود
(شهریار، ۱۳۸۵: ج ۲، ۴۳۰)
و یزید در این مرثیه نماد و سمبل دیو پلید است (ستوده، ۶۷: ۱۳۸۵):

اما عجباً که خود پایتخت یزید
خشتی ندهد نشان از دیو پلید
(شهریار، ۱۳۸۵: ج ۲، ۴۹۲)
بدین صورت شهریار با تکیه بر نمادهایی شفاف و ریشه‌دار در شعر فارسی، کربلا و واقعه عاشورا را نه به‌گونه تطبیق تاریخی با عصر خود، بلکه به عنوان زبانی نمادین در جهت بیان مفاهیم اخلاقی و عاطفی تبدیل کرده‌است.
بر اساس آنچه گذشت، عبدالمجید یزید را نماد حاکمیت فاسد به عنوان محور مقایسه آن دوران با عصر خویش در نظر گرفت به عبارتی دیگر نمادی برای نقد صریح، تند و شدید علیه حاکمیت دوران خویش. در واقع این نوع نمادپردازی، یک نمادپردازی انتقادی-تطبیقی است. اما شهریار از نمادپردازی در اشعار خویش نه به هدف تطبیق زمانه خود با عصر عاشورا بلکه برای ارتقای مفاهیم عاشورایی بهره برده‌است و به عبارتی این نمادپردازی از نوع عاطفی و اخلاقی است.

۳-۶. حضرت زینب^(س) در رثای دو شاعر

عبدالمجید در قسمتی از شعر رثای خود، این چنین به حضرت زینب^(س) اشاره می‌کند و حتی او را محور مقاومت و افشاگری در برابر یزیدیان زمانه معرفی می‌کند:

أما زينب فعليها الصمتُ / عليها أن تُرْفَصَ لِلْمَوْتِ / وأخوها فيا لطفٍ قتيلٌ ..
 !/ يا سيدتي .. يا زينبُ يا سيِّدتي .. !/ فيقاهرَتِي / تَجِدِينَ يَزِيداً يَتَحَصَّنُ بِالْقَلْعَةِ /
 يَشْكُرُ فيها .. يَتَبَوَّلُ فيها .. !/ ... وَيُصَلِّيُ فِيهَا الْجُمُعَةَ / لَيْسَتْ فِي عُنُقِي لِيَزِيدٍ يَبْعَهُ ..
 !/ كُلُّ رَجَالٍ مَدِينَتِنَا «ابْنُ عَقِيلٍ» / وَجَمِيعُ نِسَاءِ مَدِينَتِنَا «طُوعَةَ» .. ! (عبدالمجيد،
 ۱۴۲۰: ۴۸)؛ اما زينب سکوت بر عهده اوست. بر اوست که برای مرگ بر قصد [و با
 آغوش باز این اراده الهی را بپذیرد] / [زیرا] برادرش در دشت طف کشته شده است.
 ای بانوی من. ای زينب، ای بانوی من، در قاهره من، یزید را می یابی که پشت
 دیوارهای قلعه (قدرت) پنهان شده است و در آن قلعه مست می کند و در آنجا ادرار
 می کند و در همان جا نماز جمعه به پا می دارد. / هیچ بیعت و پیمانی با این یزید
 برگردن من نیست. همه مردان شهر ماهم چون «ابن عقیل» هستند و همه زنان شهر
 ماهم چون «طوعه» هستند.

اینکه شاعر از تعبیر «رقصیدن برای مرگ» استفاده می کند، کنایه از استقبال
 شجاعانه از شهادت و نترسیدن از مرگ در راه حق است. رقص در اینجا نماد شادی
 و پذیرش اراده الهی است؛ همچنان که شاعر خواسته با تعبیر به «سکوت» زینبی نیز
 رضایت به قضای الهی را در سیره حضرت زینب^(س) مورد توجه قرار دهد. بر اساس این
 شعر حضرت زینب^(س) به خاطر اهداف والای خویش در برابر ستم ستمگران سکوت
 کرده و در یک فرصت مناسب کاخ یزید و یزیدیان را در هم می شکند نیز هدف وی
 آن است که بگوید در زمانه حاضر هم چنین ظلم و ستم هایی در حق مردم روا داشته
 می شود (ولوی، کوچکی، ۱۳۹۱: ۲۶). در واقع عبدالمجید زینب^(س) را به محور آگاهی
 و اعتراض در زمانه معاصر بدل می کند. این شعر تصویری است توأمان از خشم
 فروخورده، رنج و مقاومت و زینب^(س) نیز وجدان بیدار جامعه است که حاکمیت فاسد
 را رسوا می کند. در پایان می توان گفت شاعر با توجه به تضاد معنایی بین سکوت
 و صلابت زینب^(س) در عاشورا، با ریاکاری یزیدیان معاصر که با مستی قدرت دواز

مسلمانی می‌زنند و افساد می‌کنند، به نقد سیاسی زمانه خود می‌پردازد و با اشاره به ابن عقیل و طوعه، یادآوری می‌کند که در عصر حاضر انسان‌های آزاده‌ای هستند که ظلم‌ستیزند؛ اما شهریار دربخشی از رثای خود، به همراهی اهل حرم با امام حسین^(ع) اشاره می‌کند و معتقد است که امری مدبرانه بوده؛ زیرا پس از واقعه عاشورا حضرت زینب کبری^(س)، بدون ذره‌ای لغزش و حس ناکامی کاروان اسرا را تا شام همراهی کرده و با سربلندی تمام در دربار یزید حاضر شده و خطبه‌ای ایراد فرمودند که در تاریخ جاودانه شد و یزیدیان را از آنچه بودند رسواتر کرد.

رسید نوبت زینب که شیرزاد علی است

جهان به حیرت از این سربلند خاتون شد

به دوش پرچم آتش گرفته اسلام

به کاخ ابن زیاد و یزید ملعون شد

چنان بکوفت به تبلیغ دستگاه یزید

که خود یزید چو مار فسرده افسون شد

(شهریار، ۱۳۸۵: ج ۱، ۴۹۲)

بر اساس این ابیات، شهریار برای توصیف آن حضرت^(س) از ترکیباتی همچون «شیرزاد علی» که پیوند شجاعت ایشان به تبار علوی است و «سربلند خاتون» در برابر یزید افسون شده به عنوان تقابلی روشن میان عزت و فروپاشی بهره گرفته و می‌گوید جهان - که مجازاً مردم جهان است - از عمل شجاعانه این بانو به حیرت افتاد. این ابیات نمایانگر این است که زینب^(س) مسئولیت حراست از پیام عاشورا را با به دوش گرفتن پرچم اسلام به عهده گرفتند.

بر اساس آنچه از دو شاعر درباره زینب^(س) آورده شد، نمادپردازی هر دو شاعر از حضرت زینب^(س)، متفاوت از یکدیگر است. زینب^(س) در اشعار عبدالمجید محور

مقاومت، اعتراض و استمرار مبارزه با ظلم هستند و شخصیت ایشان ابزاری است برای نقد صریح جامعه سیاسی امروز است، در حالی که در شعر شهریار، زینب^(س) محور عزت و پیروزی اخلاقی در بستر تاریخ است.

۴-۶. حرمت شکنی

عبدالمجید در شعری با عنوان «مناحة للرؤوس المسافرة» می‌کوشد حزن و اندوه خویش را از بی حرمتی و آویخته شدن سر امام حسین^(ع) و یاران شهیدشان را برنیزه دشمنان در حالی که تشنه لب بوده‌اند، به تصویر بکشد و در ضمن آن، درد ناشی از این غم را به شمشیری بران تشبیه می‌کند. به راستی که این حرمت شکنی، بس بزرگ است.

يَزْمَعُ الْمِيَانُ يُوْرِقُ أَشْيَافاً/ تَنْغَرُ بِرَأْسِي الْمَحْمُولِ عَلَى الرُّمَحِ/ يَا لَلْمَوْتِ الْمَيُوتِ
الرَّابِعِ بَعْدَ الْأَلْفِ/ وَبَعْدَ الْعَطَشِ الْمُتَسَرِّبِ مِنْ نَهْرِ الْمَلْحِ/ يَا لِلرَّأْسِ الدَّائِرِ فِي الْأَفَاقِ
الْمَدْهُوشَةِ/ بَعْدَ الْقَتْلِ/ وَبَعْدَ الذَّبْحِ ...

(عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۳۹)

اندوه من قصد کرده است که خنجرهایی را برویاند که بر فرق برافراشته‌ام که بر نیزه است، فرو روند. / ای مرگ چهارصدم بعد از هزار و پس از عطشی که از رود نمک رخنه کرد. ای سرگردان در افق‌های بهت‌زده پس از قتل و پس از سلخ ...

شاعر در قسمتی دیگر از رشای خویش، از غارت سپاه امام حسین^(ع) و برخی از بی‌حرمتی‌های صورت گرفته علیه اهل حرم همچون کشیدن گوشواره‌های حضرت رقیه^(س) از گوش آن حضرت و کشیدن البسه زنان از تن آنان و نیز غارت خیمه‌ها اشاره می‌کند. همچنین به ماجرای دزدیدن انگشتری امام حسین^(ع) گریز می‌زند و یزید را محکوم می‌کند. در روایت است که انگشتری آن حضرت^(ع) را بجدل بن سلیم الکلبی ربود. هنگامی که سعی نمود آن را از انگشت سیدالشهداء^(ع) بیرون بکشد، نتوانست

و انگشت ایشان را قطع کرد. در آینده دو دست و پای او را مختار ثقفی قطع کرد و به هلاکت رسید. پیراهن آن حضرت را إسحاق بن حویة الحضرمیه به سرقت برد و پوشید و مبتلا به بیماری برص شد. زره بی پشت (البترء) ایشان را عمر بن سعد دزدید و زمانی که او کشته شد، مختار آن را به قاتلش ابو عمرة داد (ر.ک: سید بن طاووس، ۷۷: ۱۴۱۷-۷۶).

وَقَتَلْتُ حُسَيْنًا/ وَغَنِمْتُ الْبُرْنُسَ/ وَالْدِرْعَ الْبَتْرَاءَ/ وَنَعْلًا...! / وَسَلَبْتُ رُقِيَّةَ قُرْطًا
ذَهَبِيًّا/ وَذَبَحْتُ حُسَيْنًا/ وَقَطَعْتُ الْأَصْبَعَ مِنْ أَجْلِ الْخَاتَمِ/ وَكَأَنَّكَ لِيْضُ صَرَبِي...!
وَوَزَعْتُ الْأَثْوَابَ عَنِ النَّيْسَةِ/ (عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۴۲)؛ و حسین را کشتی و عبا را به غنیمت گرفتی و زره پاره پاره را و کفش را/ گوشواره طلایی رقیه را از گوش او ربودی و حسین را ذبح کردی و به سبب دزدیدن انگشتر، انگشت را بریدی/ تو همچون یک دزد صربی هستی و لباس‌ها را از تن زنان ربودی.

شهریار نیز رثای خویش را با بیان جریان عبور ستوران دشمن بر پیکر مبارک سیدالشهدا^(ع) همراه می‌کند و غم خود را از بی حرمتی آنان به سر و تنی که همواره غرق در بوسه‌های حضرت رسول اکرم^(ص) بود اظهار می‌کند؛ گویی شاعر قصد داشته که بگوید چگونه قلب‌هایشان بر این عمل قبیح رضایت داد و مرتکب چنین فعل بی شرمانه‌ای شدند؟

سر و تنی که رسول خداش می‌بوسید

به زیر سم ستوران خدای من چون شد

(شهریار، ۱۳۸۵: ج: ۱، ۴۹۲)

شهریار در بیت بعد به آتش زدن خیمه‌های اهل حرم اشاره می‌کند (ر.ک: سید بن طاووس، ۷۹: ۱۴۱۷) و برای نشان دادن حزن خود، از زنان حرم با استعاره آهوان حرم یاد می‌کند که آتش زدن خیمه‌گاه موجب شد، زنان حرم همچون آهوان که در دشت‌ها حیران می‌دوند، از خیمه‌ها بگریزند.

به خیمه گاه امامت چنان زدند آتش

که آهوان حرم سربه دشت و هامون شد

(شهریار، ۱۳۸۵، ج: ۱، ۴۹۲)

همچنین در ابیاتی دیگر، شهریار به موضوع غارت اهل حرم و بی‌کفنی امام حسین^(ع) اشاره می‌کند که کفن ایشان از بویا {حصیری که از نی شکافته مخصوص می‌سازند} (معین، ۱۳۸۶: ذیل بویا) {بود و این بی‌حرمتی آن چنان بزرگ، قبیح و شرم‌آور است که تا به امروز از جان‌گدازترین روضه‌ها، بی‌کفنی ارباب است و قلب محبان حضرت را شرحه شرحه می‌کند.

رخت و دیباج حرم چون گل به تاراجش برند

تا به جایی که کفن از بویا دارد حسین

(شهریار، ۱۳۸۵: ۱، ۷۰)

بر اساس آنچه گذشت، عبدالمجید و شهریار هر دو در اشعار منتخب به موضوع بی‌حرمتی به امام حسین^(ع) اشاره کرده‌اند؛ اما با پرداختن به شیوه‌های مختلف آن و در این مورد با یکدیگر تفاوت دارند و هرکدام موضوعی را برجسته کرده‌اند. یکی تشنه‌لب به نیزه آویخته شدن و دیگری عبور ستوران از پیکر مبارک حضرت^(ع). به علاوه در اشعار منتخب هر دو شاعر به بی‌حرمتی علیه اهل حرم نیز اشاره شده است که نشان از انزجارشان از این اعمال شرورانه و بی‌شرمانه دارد؛ با این تفاوت که عبدالمجید نگاه جزئی‌تر داشته و به ربودن گوشواره حضرت رقیه^(س) و ربودن پوشش‌های زنان صراحتاً اشاره کرده است؛ اما شهریار از یک ترکیب استعاری در یاد کردن اهل حرم بهره گرفته است. همچنین زاویه دید عبدالمجید، در شعر (قتلت حسینا...) دوم شخص مفرد است و مستقیماً یزیدیان را هدف گرفته و علیه آنان اعلام جرم می‌کند که این بیانی بسیار کوبنده است. از طرفی در عین حال که وی به

ماجرای به غارت برده‌شدن عباى حضرت اشاره داشته؛ اما پرداختن به کفن بورىاى ایشان توسط شهریار به دو دلیل زیبا تر است، اول آنکه در ضمن آن مى‌توان غارت البسهٔ امام^(۷) را درک نمود و دوم آنکه بسیار سوزناک است و موجب تألم قلوب است و کنه جان را نشانه رفته است.

۵-۶. ملامت بی‌وفایان

عبدالمجید در گوشه‌ای از اشعار خود، یاران بی‌فا و زمانه را نفرین مى‌کند:

أَفِ لِلنَّاصِرِ لَوْ صَارَ قَلِيلًا / وَالْعَزَّ ذَا وَلَّى / وَالذَّهْرُ إِذَا بَاتَ خَلِيلًا / يَا دَهْرُ أَفِ لَكَ
مِنْ خَلِيلٍ / كَمْ لَكَ بِالْإِشْرَاقِ وَالْأَصِيلِ / مِنْ صَاحِبٍ أَوْ طَالِبٍ قَتِيلٍ / وَالذَّهْرُ لَا يَقْنَعُ
بِالْبَدِيلِ / (عبدالمجید، ۱۴۲۰: ۴۰)؛ اف بر یاری‌رسان، اگر اندک باشد. / و اف بر عزت
آنگاه که پشت کند و [اف] بر زمانه اگر دوست خیانت‌پیشه باشد. / ای روزگار اف
برتوباد، تو چگونه دوستی هستی؟ چه بسیار شب‌ها و روزهایی که دوستان و مشتاقان
خویش را در آن کشته‌ای و ای زمانه توبه هیچ جانشین و جای‌گزینی قانع نمی‌شوی.

شاعر ضمن ملامت یاران بی‌فا، زمانه را نیز سرزنش مى‌کند. وی با مخاطب قرار دادن روزگار و بهره‌مندی از آرایه تشخیص قصد دارد بگوید زمانه آن قدر بی‌ثبات است که کسانی که روزی دم از نصرت و یاری می‌زدند، به راحتی رنگ عوض کرده و تغییر موضع می‌دهند و به ولی نعمت خود پشت می‌کنند؛ گویی روزگار را به منزلهٔ همان افراد ناسپاس تلقی کرده است.

شهریار نیز در ابیاتی به موضوع بی‌وفایی اهل کوفه و نیز دشمنی دشمنان آن حضرت^(۸) اشاره می‌کند و گلایه دارد که هر دوی آن‌ها برای ایشان موجب مشکل دو جانبه بوده‌اند و نیز با استفاده از کنایهٔ خون به دل داشتن، به شدت ناراحتی و اندوه اباعبدالله الحسین^(۹) از بی‌وفایی کوفیان اشاره می‌کند.

او وفای عهد را با سر کند سودا ولی

خون به دل از کوفیان بی وفا دارد حسین

دشمنانش بی‌امان و دوستانش بی وفا

با کدامین سرکنند مشکل دوتا دارد حسین

(شهریار، ۱۳۸۵: ج ۱، ۷۰)

شهریار در این دو بیت مشخصاً نام کوفیان را به عنوان دوستان بی‌وفای حضرت برشمرده است. به راستی که سزای قبول دعوت این ناسپاسان، تنها شدن امام نبود و چه بد میزبانانی بودند اهل کوفه و این غمی مضاعف بر قلب حسین بن علی^(ع) است. دشمنانی که به نام اسلام در مقابلش ایستادند و دوستانی که از پشت به ایشان خنجر زدند و این همان حقیقتی است که شهریار از پس از این دوبیت در پی القای آن است. آنچنان که گذشت، عبدالمجید با استفاده از یک آرایه ادبی، یاران بی‌فارا از طریق زمانه سرزنش کرده است و این محکومیتی عمیق و اثرگذار است؛ اما شهریار روایت‌گونه بدان پرداخته و می‌توان انزجار وی را از کنه شعرش دریافت کرد و صراحتاً کوفیان را نام برده است که همگان بدانند چه کسانی پشت امام را خالی کردند.

۷. نتیجه‌گیری

عبدالمجید و شهریار دارای اندیشه‌های مشترک و متفاوتی در بیان مضامین عاشورایی هستند. بدین صورت که هدف یکی است؛ اما گاه از مضامین متفاوتی برای نمایاندن آن بهره می‌گیرند. دو شاعر به حضرت زینب^(س) و اهل حرم به عنوان عناصری مهم در مضامین عاشورایی توجه ویژه دارند، به مضامین بی‌وفایی و حرمت‌شکنی نگاهی عمیق دارند و نیز دیگر مقاصد مشترک که در بیان همه آن‌ها گاه از مضامین مشابه و گاه متفاوت از هم بهره برده‌اند و نیز گاه نحوه پردازش آن دو به وقایع با هم

متفاوت است. در میان اشعار عبدالمجید، اشعاری دیده می‌شود که از زاویه دوم شخص مطرح شده که دارای تأثیری عمیق است؛ اما در میان اشعار شهریار این زاویه دید، رؤیت نشد. عبدالمجید دیدگاهی انفجاری و نقادانه دارد؛ اما شهریار در بیان مضامین، بیشتر رنگ و بوی روایی را به ابیات خود بخشیده که همراه با تألم قلوب است. دیگر آنکه اشعار عبدالمجید، اغلب در قالب شعر نو سروده شده اما شهریار از قالب شعر کلاسیک و غزل در بیان مقاصد خود بهره برده است. هر دو شاعر در بخشی از اشعار خود، دیدگاه نمادپردازانه نسبت به واقعۀ کربلا دارند و این نمادپردازی در اشعار شهریار نمود بیشتری دارد و گامی است در جهت اعتلای مفاهیم عاشورایی؛ اما این سمبل‌ها در شعر عبدالمجید، از نوع انتقادی-تطبیقی است؛ در واقع او آن را با عصر و زمانه خود تطبیق و پیوند داده است. در ادامه می‌توان گفت که اشعار عبدالمجید، خیال‌انگیزتر و متأثر از فضای سیاسی جامعه خویش است؛ در حالی که این خیال‌انگیزی در اشعار شهریار به نسبت کمتر است و بیشتر به عینیات پرداخته شده است و دیدگاه سیاسی بدان ندارد.

فهرست منابع

۱. البدیری، علی مجید (۱۴۰۰). ادبیات تطبیقی (مبانی و کاربردها). تهران: سفیر قلم.
۲. بهجت تبریزی، محمد حسین (۱۳۸۵). دیوان اشعار. تهران: نگاه و زرین.
۳. سایت مرکز جهانی مستبصرین، ۱۵ جولای. ۲۰۱۸ م.
۴. ستوده، یحیی (۱۳۸۵). «تجلی کربلا در آثار سنایی، خاقانی، عطار، سعدی، مولانا، استاد شهریار». بهارستان سخن. ش ۶. ۴۶-۷۰.
۵. شمس الدینی، اعظم؛ سیفی، طیبه (۱۳۹۲). «بررسی و تحلیل درون مایه های شعر شیعی در اشعار معروف عبدالمجید». ادبیات شیعه. پ ۲. صص ۸۶۰-۸۵.
۶. عبدالمجید، معروف (۱۴۲۰). بلون الغار بلون الغدير. قم: مرکز أبحاث الإعتقادية.
۷. علی بن طاووس (بی تا). اللهوف فی قتلى الطفوف. قم: انوار الهدی.
۸. کوچکی، مسعوده؛ ولوی، سیمین (۱۳۹۱). «ترجمه و شرح ادبی - موضوعی مراثی امام حسین (ع) در کتاب بلون الغار بلون الغدير معروف عبدالمجید». موسسه آموزشی: دانشگاه آزاد اسلامی واحد مرکزی تهران.
۹. کوچکی، مسعوده؛ ولوی، سیمین (۱۳۹۲). «مظاهر قیام حسینی در اشعار معروف عبدالمجید». الجمعية الإيرانية لآغة العربية و آدابها الفصلية علمية محكمة. د ۹. ش ۲۹. صص ۱-۱۹.
۱۰. محمدی، حسنعلی (۱۳۷۴). از بهار تا شهریار. قم: مؤلف.
۱۱. معلوف، لويس (۲۰۰۰). المنجد فی اللغة العربية المعاصرة. بیروت: دارالمشرق.
۱۲. معین، محمد (۱۳۸۱). فرهنگ فارسی. تهران: آدنا.
۱۳. ملاابراهیمی، عزت؛ باوان پوری، مسعود؛ متولی، حدیثه (۱۳۹۶). «بررسی تطبیقی شعر دینی محتشم کاشانی و معروف عبدالمجید». پژوهش های تطبیقی زبان و ادبیات ملل. د ۳. ش ۱۰. صص ۱۱۰-۱۲۸.